

جایگاه حج در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی در عصر قاجار

اصغر قاعدان^۱

محمد تقی امامی^۲

اسرا دوغان^۳

چکیده: در این پژوهش، جایگاه اقتصادی حج و تأثیر آن در روابط اقتصادی دولت عثمانی به عنوان برگزارکننده و دولت ایران عصر قاجار به عنوان میهمان، بررسی شده است. در این مقوله پیرامون سه رکن اصلی بحث شده است:

۱. حجاج (میهمانان) ۲. دولت (برگزارکنندگان) ۳. بدویان و بومیان (میزبانان). از آنجا که هرگونه فرآیند اقتصادی که توسط میهمانان و برگزارکنندگان انجام می‌شود؛ به پدیده امنیت ارتباط می‌یافت لذا آن هم مورد مطالعه قرار گرفت. این پژوهش در سه حوزه سیاست اقتصادی دو دولت ایران و عثمانی، اقتصاد ترکیبی و بازار مشترک، و درآمدهای رسمی و غیررسمی از راه‌ها و حجاج انجام شده است. همچنین موضوعاتی نظیر جایگاه موقوفات، اهمیت راه‌های تجاری و اقتصادی، خدمات دولت عثمانی، مشکلات کاهش ارزش پول، سرقت اموال حجاج و چاره‌جویی و تخلفات مادی دولت عثمانی در حج‌گزاری، از دیگر مباحث این پژوهش است. ما در این تحقیق به این پرسش پاسخ گفته‌ایم که علاوه بر جایگاه مذهبی و سیاسی حج، تا چه حد می‌توان برای آن جایگاهی اقتصادی تعریف کرد و به این نتیجه دست یافتیم که سیاست‌های اقتصادی دولت عثمانی در رشد و توسعه اقتصادی حرمین، مدیریت صحیح حج، رفاه و پیشرفت بدویان، تأثیر مثبتی داشته است اگر چه برای خود این دولت، منافع اقتصادی نمی‌توان متصور بود؛ زیرا برای این دولت، صرفاً دستیابی و حفظ عنوان خادم الحرمین شریفین مستلزم چنین هزینه‌هایی بود. و نیز با توجه به برپایی بازارها در مسیر راه زوار و حجاج و مشکلاتی که در امر مبادله کالا با پول وجود داشت، استراتژی و سیاست «اقتصاد ترکیبی در مراسم حج» از مهم‌ترین راهکارهای تعاملات اقتصادی دولتی بوده است. از سوی دیگر، در این پژوهش به نقش دولت قاجار و اولویت‌های سیاسی آن در خصوص حج به عنوان دولت میهمان هم پرداخته شده است. اسناد معتبر در عصر قاجار نشان می‌دهد که این دولت کوشیده است تا موانعی را که مأموران عثمانی بر سر راه حاجیان ایرانی ایجاد می‌کردند مرتفع سازد و از آنان حمایت کند و دولت عثمانی را در این باره تحت فشار قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: حجاج ایرانی، حجاج عثمانی، قاجار، عثمانی، اقتصاد ترکیبی حج، امنیت راه‌های حج

۱ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران qaedan@ut.ac.ir

۲ استادیار دانشگاه آزاد شهر ری dr_mtemami@yahoo.com

۳ دانشجوی دوره دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Esra_dogan@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۴، تاریخ تأیید: ۹۲/۲/۷

The palace of Hajj in relations of Ottoman and Iran in Qajar Era

Asgar Qaedan¹

Mohammad Taghi Emami Khoei²

Esra Dogan³

Abstract: This essay deals with economic status of the pilgrimage to Mecca (the Hajj) and its influence on the economic relations of the Ottoman state as the organizer and the Qajar state of Iran as the guest. Three main elements of this matter are studied: 1- Hajjis (guests) 2-state (organizer) 3-Bedouins and aborigines (hosts). The security as an important element in any economic process is also studied.

This study is undertaken in three fields: the economic politics of two states; the combining economics and common market; and the formal and informal revenues of the roads and hajjis. The status of endowments, the commercial and economic importance of roads, the services of Ottoman state, the difficulties of decrease of the value of money, the robbery of hajjis belongings, and the offences of Ottoman state are other issues of this essay. The central question is whether, in addition of its religious and political status, the pilgrimage to Mecca (the Hajj) has economic status. The economic politics of Ottoman state shows that this state had positive influences on economic development of the two holy sanctuaries (Mecca and Medina), desired organization of hajj and welfare of Bedouins, but it was not directly benefitted from this organization. Because it merely wanted to attain the title of servant of the two holy sanctuaries (Mecca and Medina) and thereby religious and political legitimacy. It seems that because of problems of exchange of goods and money for hajjis in market roads, the strategy of combining economics was the best solution for economic interactions of two states. Additionally, the role of the Qajar state as guest state and its political priorities concerning the Hajj is surveyed. The reliable documents and sources of Qajar era shows that the Qajar state attempted to remove the obstacles and difficulties created by Ottoman officers on the way of Iranian hajjis and to protect them and to pressurize the Ottoman state in this matter.

Keywords: the Iranian and Ottoman hajjis, the Qajar state, the Ottoman state, the combining economics of the Hajj, security of Hajj roads.

1 Assistant Professor History and Civilization of Islamic Nations of Tehran University qaedan@ut.ac.ir

2 Assistant Professor of Islamic Azad University, Shahr – e Rey Branch dr_mtemami@yahoo.com

3 Ph.d Student of History and Civilization of Islamic Nations Esra_dogan@hotmail.com

«حج» یک مراسم سیاسی-عبادی است و در طول تاریخ مراسم حج گزار، اهمیت جنبه-های اقتصادی آن نیز روشن شده است. مسلمانان با وجود تنوع دولت‌ها و ملل در این مراسم توانسته‌اند، نوع خاصی از اقتصاد را تعریف کنند که در این پژوهش تحت عنوان «اقتصاد ترکیبی»^۱ مورد توجه قرار می‌گیرد. این سیستم وسیع اقتصادی که شامل اقتصاد تجاری، تولیدی و بین‌المللی می‌شد؛ در بسترهای گوناگونی از جوامع اسلامی که دارای نوع زندگی ایلی، شبانی، روستایی و شهری و انواعی از سیستم‌های اقتصادی بود به اجرا در آمده و با تلفیق آن‌ها با یکدیگر، نوعی «اقتصاد ترکیبی» رقم می‌خورد. همچنین «اقتصاد حج» بین دولت‌های اسلامی از دیدگاه مطالعات «اقتصاد تاریخی بین‌المللی»^۲ نیز قابل توجه و بررسی است. در این پژوهش، فرآیند بسیار مهم «اقتصاد حج» که در واقع یک نوع صادرات و واردات نامحسوس همراه با حج گزار است مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در خصوص موضوع این مقاله تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است ولی در برخی از پژوهش‌هایی که درباره حج انجام شده، اشاره‌هایی کوتاه به برخی از این مباحث دیده می‌شود از جمله مقاله حج گزار ایرانیان در دوره قاجار نوشته رسول جعفریان که در مجله‌مقیات حج به چاپ رسیده است. در این مقاله اگر چه در موضوع تأثیر امور اقتصادی حج بر مناسبات دولت‌های درگیر حج، مطلب خاصی ندارد اما در آن از مشکلات فراروی ایرانیان در خصوص حج و تاریخچه‌ای از نحوه انجام حج در دوره قاجار سخن گفته شده است. تحقیق دیگری به قلم اسرادوغان به چاپ رسیده است.^۳ در این تألیف، تاریخچه‌ای از این حج گزار بدون اشاره به مناسبات اقتصادی دو دولت در امر حج ارائه شده است. اما بیشترین اطلاعاتی که می‌توان در این خصوص به دست آورد از مجموعه آرشیو سراسری عثمانی است که هزاران سند بایگانی شده در خصوص حج در آن وجود دارد و بسیاری از آن‌ها به مباحث و مشکلات اقتصادی حج، هزینه‌های مربوط به آن و نهایتاً مطالبی که با مناسبات اقتصادی دولتین قاجار و عثمانی ارتباط دارد اختصاص یافته است. این اسناد خام می‌تواند بسیاری از ابهام‌ها را در این خصوص مرتفع سازد و اطلاعات سودمندی ارائه کند. اسناد یاد شده با این عنوان در کتابخانه سلیمان پاشا استانبول نگهداری می‌شود *BOA Başbakanlık Osmanlı Arşivleri, İstanbul, DM, Mühimme Defterleri*.

1 Mixed economics.

2 Historical International Economic.

۳ نک: اسرادوغان (۱۳۸۶)، تاریخ حج گزار ایرانیان، تهران، نشر مشعر.

تحقیق دیگری که البته کمی بیشتر به این مباحث پرداخته توسط خلیل اینالجیق به زبان ترکی استانبولی با این عنوان، *İnalçık, Halil, Osmanlı Ekonomisi ve Sosyal Tarihi* نگارش شده است. او در این تحقیق، اشارات نسبتاً مفصلاً به مباحث اقتصادی عصر عثمانی دارد که برخی از آنها به امور اقتصادی حج مرتبط است مثل چگونگی صره^۱ عثمانی، رسوم اخوه گیری، کالاهای تجاری در مسیر راههای حج و نقش دولت عثمانی در تأمین امنیت اقتصادی حج. این کتاب و نیز اسناد یاد شده تا کنون به زبان فارسی ترجمه نشده و دسترسی به آنها برای محققان ایرانی به راحتی امکان پذیر نیست.

الف. سیاست اقتصادی دولتین عثمانی و ایران در خصوص حج

۱. سیاست ها و اولویت های دولت عثمانی

برای بررسی صحیح و دقیق اقتصاد حج در عصر عثمانی، باید به اهمیت ژئوپلیتیک راههای آبی خلیج فارس و دریای سرخ و همچنین بندر طرابوزان توجه خاص کرد. علاوه بر آن مسیر راه-های خشکی نیز در خارج از ایران یعنی بغداد، حلب تا استانبول و نیز شام تا اروپا دارای شاهراههای تجاری بود که از مسیر اصلی اش به سمت حجاز می رفت. در این جا موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک راهها با جایگاه فرهنگی شهرهای مهم مذهبی و فرهنگی گره خورده و باعث پیوند حج با اقتصاد و تجارت می گردید.^۲ در حقیقت می توان گفت مراسم حج فقط یک مناسک دینی نبود بلکه فرایند اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مهمی در جهان اسلام به حساب می آمد. سه نقطه برخورد و تعامل دولت عثمانی با ایران، تجارت، جنگ و حج بود که دو برخورد سیاسی آن یعنی جنگ و حج کاملاً با تجارت و اقتصاد ارتباط داشت. به نظر می رسد سیاست دولت عثمانی تفکیک بین مسائل سیاسی، فرهنگی و ژئوپلیتیک در خصوص حج و عتبات بود. این دولت به رغم آن که در حال جنگ با دولت قاجار بود، به حج و حجاج صرفاً نگاهی مذهبی و فرهنگی داشت، نه امنیتی. و علاوه بر آن، نگرشی منفعت جویانه و

۱ صره به معنای هدیه است که از طرف شاهان عثمانی برای مصارف متعددی اختصاص داده می شد از جمله برای متولیان امور حج در حجاز برای صره دفاتری وجود داشت که در آنها آگاهی های مربوط به اسامی کسانی که باید هدیه دریافت کنند، مقدار آنها و این که سالانه چه اندازه و در کجاها هزینه شده است ثبت می گردید در آغاز دفتر صره، طغرای پادشاه و در پایان آن امضای دیگر مسؤولان مربوطه وجود داشت .

۲ جان فوران (۱۳۸۶)، *مقاومت شکننده، تاریخ تحول اجتماعی ایران، تهران: انتشارات رسا، ص ۱۷۰*.

اقتصادی هم نداشت.

از سوی دیگر، برقراری امنیت نسبی در راه‌های حج، باعث شده بود تا بازرگانان سرزمین‌های مختلف به تجارت در این راه‌ها و با کاروان‌های حج عثمانی تمایل داشته باشند که نتیجه‌اش وابستگی طبقه بازرگانان به دولت عثمانی بود. در این میان، حجاج نیز در کنار آنان به فعالیت‌های تجاری و اقتصادی دست می‌زدند. در اینجاست که مؤلفه‌های امنیت، تجارت و اقتدار نظامی به یکدیگر پیوند خورده و نقش دولت عثمانی را پررنگ می‌سازند. اما اقتدار نظامی در این موضوع تا چه اندازه تأثیرگذار بود؟ آیا دولت عثمانی حاکمیت خود را در حجاز با انبوهی از نیروهای نظامی برقرار می‌ساخت یا با سربازانی اندک آن منطقه را مدیریت می‌کرد؟ دولت با چه هدف و ضرورتی اصرار داشت این سرزمین را که حاصل‌خیز نبود و حتی به ساکنان آن نیز نفعی نمی‌رساند در دست خود نگه دارد؟ بدون شک این سیاست‌ها سبب ارتباط و وابستگی اقتصادی مردم این منطقه به دولت عثمانی می‌گردید. دولت، سالانه برای حفاظت از حجاج خود و سایر حاجیان و نیز برای امرار معاش بدویان بومی و جلوگیری از تعرض و راهزنی آنان پول‌هایی می‌فرستاد و از این طریق بر آن‌ها تسلط می‌یافت و امنیت منطقه را نیز تأمین می‌کرد.^۱ البته نه تنها بدویان بلکه مردم مکه و مدینه و پیرامون آن نیز زندگی روز مره خود را با اموال و کالاهای اهدایی و اوقافی از جمله صره عثمانی تأمین می‌کردند. بدین گونه مردم این سرزمین به دولت عثمانی وابسته شده و سلطه عثمانی را به راحتی می‌پذیرفتند و از آن دولت حمایت می‌کردند، این همان سیاستی بود که دولت عثمانی دنبال می‌کرد.

۱.۱. تلاش عثمانی در تأمین اقتصادی حرمین

دولت عثمانی که از سال ۹۲۳هـ.ق / ۱۵۱۷م. حاکمیت این سرزمین را به دست گرفت به طور منظم برای مردم این منطقه کمک‌های مالی ارسال می‌کرد.^۲ یکی از راه‌های تأمین هزینه‌های حرمین، اختصاص اوقاف بود تا همه ساله منبعی مشخص و مطمئن وجود داشته باشد. لذا اوقاف مصر و آناتولی را برای حرمین قرار داد و با این دو اوقاف، مخارج این منطقه به طور کامل تأمین می‌شد. گواه این سخن آن است چنانچه والی مصر، پول و آذوقه‌ای را که پادشاه

1 Faruki, Sureyya (1995), *Hacilar ve Sultanlar*, Tarih vakfi yayınları, Istanbul: Tarih Vakfi Yurt Yayınlar, p.85.

2 Faruki, Ibid, p.85.

عثمانی می‌فرستاد به موقع به حجاز نمی‌رساند این منطقه را آشوب فرا می‌گرفت. در این باره ده‌ها سند در آرشیو عثمانی وجود دارد.^۱

به طور کلی موقوفات حرمین در دولت عثمانی به دو قسمت تقسیم می‌شد، بخشی در استانبول و بخشی در سایر شهرها بود که در مجموع مبلغ چشم‌گیری را شامل می‌شد. در اسناد عثمانی از «اوقاف مصر برای حرمین» و «اوقاف آناتولی برای حرمین» نیز بحث شده است.^۲ علاوه بر آن درآمدها و اموال اختصاصی اشخاص مانند موقوفه‌ها، احسان‌ها و هدایا که مورد اخیر بیشتر از مصر می‌آمد؛ و نیز در بالکان که موقوفات زیادی برای این قبیل مصارف وجود داشت^۳ را باید بر آن‌ها افزود. بنابراین دولت عثمانی هزینه و مخارج حج‌گزاری را از دو مرکز تهیه می‌کرد: نخست قاهره که مانند دوران قبل از سلطه عثمانی به عنوان صاحب حرمین هزینه‌های این عبادت را تأمین می‌کرد و دوم شام که از لحاظ تجاری، غنی و ارتباط آن با حجاز بیشتر از قاهره بود و هم از لحاظ آذوقه و هم اجاره وسایل راه (شتر، اسب، قاطر) مبلغ قابل توجهی هزینه می‌کرد.^۴

گذشته از اوقاف یاد شده، از بخشش‌ها و اوقاف سایر دولت‌های اسلامی نیز برای تأمین این هزینه‌ها استفاده می‌شد. از جمله کمک‌های ایرانیان که به طور ویژه به شیعیان نخواستند اختصاص می‌یافت. بعضی از هدایا نیز توسط سلاطین عثمانی به حرمین اهدا می‌گشت؛ هرچند که بُعد اقتصادی نداشت ولی این هدایا ظاهراً حاکی از توانایی اقتصادی و سیاسی عثمانی بود. هزینه صره، راه آهن حجاز و هدایای سالانه اماکن مقدسه که توسط عثمانی اهدا می‌شد، مخارجی جدی و هنگفت بود و البته این خدمات برای دولت عثمانی هیچ‌گونه منفعتی نداشت.^۵ می‌توان گفت این مصارف، بیشتر از عوایدش بود و نه تنها به خزانه دولت چیزی باز نمی‌گشت بلکه از لحاظ مادی نیز متضرر می‌شد. بنابراین به نظر می‌رسد اهمیت سیاسی-فرهنگی و مذهبی این منطقه برای عثمانی‌ها بیشتر از اهمیت اقتصادی آن بود، اما از دیدگاه

1 BOA Başbakanlık, Osmanlı Arşivleri, İstanbul: DM, Mühimme Defterleri MD53(6Ra.933)h.766, p.263; BOA, MD34(13M.986)h, 45, p.22.33; BA, MD53(6Ra.933) h.755.

2 Halil Sahillioğlu(1993), "Darphâne", *DİA*, C. 8, İstanbul: Tarih Vakfı Yurt Yayınları, pp. 330-350; BOA Başbakanlık Osmanlı Arşivleri, İstanbul: MD34(13M.986)h,45, p.22.33

3 Faruki, *Ibid*, p.85.

4 İnalçık, Halil(2000), *Osmanlı Ekonomisi ve Sosyal Tarihi*, C.1, İstanbul: Eren Yayınları, p.76.

۵ اسناد وزارت خارجه ۱۳۱۸/۵/۱۵/ص ۲۱.

اقتصاد سیاسی، این منطقه منافع سیاسی عثمانی را تأمین می‌کرد لذا سیاست توجه به «اقتصاد حج» را توجیه‌پذیر می‌نمود. چنان‌که روشن است حج برای دولت عثمانی در میان مسلمانان جهان، «مشروعیت سیاسی» فراهم می‌کرد؛ زیرا این دولت، موفق شد به وسیله کنترل، بازسازی اماکن مقدسه، اداره و اجرای مراسم حج، مفتخر به عنوان «خادم الحرمین» شود.^۱ این لقب افتخارآمیز برای این دولت، مستلزم چنین هزینه‌ها و خدماتی بود. دولت عثمانی ارائه چنین خدماتی را غیر از یک مدت کوتاه که درگیر جنگ با وهابیان بود یعنی تا سال ۱۹۲۰م. بی‌وقفه در حجاز ادامه داد و حتی آن را شدت بخشید.^۲

۲. سیاست‌های دولت قاجار

دولت قاجار به عنوان دولت میهمان، از سوی دیگر نقش قابل توجهی در حمایت از حجاج خود داشت. این دولت نیز همانند دولت عثمانی می‌کوشید تا در عرصه حج به لحاظ سیاسی و اقتصادی حضور فعالی داشته باشد. در اقتصاد دوره قاجار نیز همان عناصر فرهنگی - سیاسی در جغرافیای اقتصادی تأثیر داشت و این اقتصاد که وابسته به کالاهایی همچون ابریشم،^۳ تریاک، پنبه، خشکبار، قالی، میوه، پارچه، شکر و نفت بود همواره به حیات خود ادامه می‌داد.^۴ در این دوره، «ابریشم» یک کالای مهم در «سیاست اقتصادی» به شمار می‌رفت.^۵ اگر به تاریخ گذشته حج بنگریم به جنبه‌های اقتصادی بسیار مؤثری برمی‌خوریم؛ مثلاً تبریز که از دوران مغولان در تجارت دنیا مرکزیت داشت و در قلب مسیرهای تجاری جاده ابریشم قرار می‌گرفت، کاروان‌هایی که از آن خارج می‌شدند از شاهراه‌های ارزانه الروم و سیواس به قونیه می‌رفتند و یا از خلیج اسکندرون به لاذقیه می‌آمدند. از این دوره به بعد خط تبریز - اسکندرون فعال شد و به سبب پیشرفت این راه، امور تجاری حجاج نیز از این مسیر صورت می‌گرفت. پس از آن نیز راه تبریز - طرابوزان، رونق بیشتری پیدا کرد و از این راه ابریشم به اروپا منتقل شد. در

۱ جان فوران، همان، ص ۲۱۹.

۲ Zekeriyya Kurşun(2002), *Necd ve Ahıs'da Osmanlı Hakimiyeti*, TTK, Ankara: turk tarih kurumu, p.124.

۳ میثم موسایی (۱۳۹۰)، *تجارت خارجی ایران در عصر قاجار*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ص ۲۷.

۴ جان فوران، همان، ص ۲۱۶.

۵ پیروز مجتهدزاده (۱۳۸۶ش)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، سمت، صص ۱۹-۳۷.

صحنه جدید روابط بین‌الملل، راه‌ها به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی، اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته بودند. به سبب اشتراکات ژئوکالچری (جغرافیای فرهنگی) بر سر «راه‌های حج»، روابط بسیار تنگاتنگ سیاسی، اقتصادی و دینی بین دولت‌های ایران و عثمانی آغاز شده بود که این روابط تا اواخر دوران قاجار ادامه پیدا کرد.^۱

ب. حاجیان و اقتصاد ترکیبی و بازار مشترک اسلامی

در این جا باید مسئله دیگری را مطرح کنیم و آن این که حاجیان در این عبادت چه به دست می‌آوردند و آیا درآمد تجاری در مراسم حج به حدی بود که آن را بتوان نوعی تجارت به حساب آورد؟ قبل از هر چیز باید به یک مطلب اشاره داشت و آن این که انجام حج منوط به استطاعت مالی است. به طور کلی حج از منظر قرآن و حدیث، صرفاً برای آنانی که توانایی مادی دارند امری واجب به شمار می‌آید.^۲ استطاعت حج را فقهای مذاهب اسلام در رساله‌های عملی و کتاب‌های مناسک، این گونه معنی کرده‌اند: (...آنقدر حاجی پول داشته باشد که بتواند به مکه برود و برگردد و علاوه بر آن زن و بچه او تا بازگشت وی با آن بتوانند زندگی کنند، بعلاوه دارا بودن سرمایه‌ای برای گذران خود و عائله‌اش).^۳

از این رو اگر کسی چنین استطاعتی را نداشته باشد و آرزوی رفتن به حج داشته باشد ناچار است که برای جبران عدم توانایی مالی، دست به تجارت بزند، تجارتی نه چندان سودآور بلکه تا آن حد که بتواند خرج راه خود را درآورد. با این حال بعضی‌ها به درستی استطاعت را درک نکرده و با پول کمی عازم سفر حج می‌شدند و در آن سرزمین گاهی به گدایی می‌افتادند، مخصوصاً در «قرنطینه طور سینا سیه روزی آنها به عینه مشاهده می‌شد». با وجودی که پول فراوانی از جیب حاجی می‌رفت و عاید دولت عثمانی، مردم و حاکمان بومی و دولت ایران می‌شد، بهره‌ای که از انجام فعالیت‌های تجاری و اقتصادی عائد حاجی می‌گردید بسیار ناچیز بود و البته آن را هم صرف هزینه‌های خود می‌کرد. بنابراین تجارت حج برای او نه تنها

۱ نک: اسرا دوغان (۱۳۸۹)، تاریخ حج گناری/ایرانیان، تهران: نشر مشعر، ص ۳۹۰.

۲ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (آل عمران، ۹۷).

۳ سید جعفر شهیدی (۱۳۷۱)، استطاعت چیست و مستطیع کیست؟، میقات حج، س ۱، ش ۱، ص ۴۹.

۴ ابراهیم بیگزین‌العابدین مراغه‌ای (۱۳۸۵)، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، به کوشش محمد علی سپانلو، تهران: انتشارات آگاه،

ص ۱۶۴؛ رحیم رئیس‌نیایی‌تا، آذربایجان در سیر تاریخ، ج ۱، تبریز: انتشارات نیما، ص ۸.

سودآور نبود بلکه گاهی زیان‌آور نیز بود و حج برای او تنها سود معنوی و اجر اخروی در برداشت. به طور مسلم این همه شور و شوق حجاج ایرانی مبتنی بر انگیزه‌های مادی و اقتصادی نبود، با این وجود این مراسم با تمام دشواری‌ها با عشق انجام می‌شد که این امر در دوره قاجار به خوبی مشهود است.^۱

مراسم حج تنها مورد توجه حاجیان و دولت‌ها نبود؛ بلکه کل طبقات اجتماعی و تمام سازمان‌های اقتصادی جامعه را درگیر یک فرآیند مهم اقتصادی در سطح خرد و کلان می‌کرد. حضرت ابراهیم^(ع) وقتی خاندان خود را در مکان بیت و سرزمین لم یزرع مکه رها کرد به خداوند عرض کرد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ»^۲ (خدایا این سرزمین را حرم امن قرار ده و ساکنان آن را از قبال حج روزی ده). به برکت همین دعای حضرت ابراهیم^(ع) است که تا عصر حاضر ساکنان حرم و ساکنان منطقه و حتی ساکنان مسیر راه‌های حج، و نیز سرزمین‌های دوردست از این سفر معنوی سود می‌برند، تجارت می‌کنند و روزی می‌خورند. کشاورزان، دهقانان، شبانان، تجار شهری، صنعت‌گران، پیشه‌وران و حتی فقرا تا دولتمردان و رؤسای قبایل به اقتصاد حج مرتبط می‌شوند. حال این مسئله مطرح می‌شود که اقتصاد حج چگونه قادر بوده است حجم عظیمی از طبقات اجتماعی را تحت پوشش قرار دهد و بهره‌مند سازد؟ این بهره‌مندی زمانی مؤثر بود که در طیف گسترده‌ای، بتواند میان طبقات اجتماعی، سازمان‌های اقتصادی و دولت‌های اسلامی، به طور هماهنگ ارتباط برقرار کند. این مهم از طریق مراسم حج در یک «بازار مشترک اسلامی» محقق می‌شد، همان‌گونه که در عصر جاهلیت، در بازارهای عکاظ، ذی‌المجاز و غیره که در مسیر راه‌های حج قرار داشت و در آن‌جا به مبادله و فروش کالا می‌پرداختند تحقق یافته بود.

حاجیان کشورهای مختلف اسلامی همانند، حجاج جاوه، هند، اندونزی و غیره کالاهایی را با خود به مکه می‌آوردند و در عوض آن، کالاهای ایرانی را که حاصل تولید طبقات گوناگون اجتماعی ایران بود، می‌خریدند و در نتیجه، طیف وسیعی از مبادلات اقتصادی، صنعتی و تجارتي و فرهنگی به جریان می‌افتاد.^۳ حجاج خراسانی تریاک که جنبه دارویی داشت^۴ و

۱ سید جعفر شهیدی، همان، ص ۱۴۵.

۲ بقره، آیه ۱۲۶.

3 İnalçık, Ibid, p. 63.

۴ میثم موسایی، همان، ص ۵۱.

زعفران را با خود به بغداد و مکه می‌آوردند. حجاج افغانی و چینی سنگ‌های گران‌بها برای فروش می‌آوردند و دیگر حجاج نیز از بازار حلب، پارچه‌های احرام و از استانبول ساعت و وسایل مکانیکی تهیه می‌کردند و از بازار بغداد، انواع پارچه‌ها و ادویه‌ها را خریداری می‌کردند تا در بازار مکه بفروشند.^۱

جهت مطالعه این سیستم پیچیده اقتصادی و ساز و کار آن نیازمند اسنادی هستیم که متأسفانه کمتر در آرشیو عثمانی چیزی یافت می‌شود زیرا عثمانی‌ها هیچ پولی از حجاج نمی‌گرفتند تا سندی را ضبط کنند، لذا آن را می‌توان «تجارت پنهان» نامید که در بازار منا در جریان بود. اگر به نحوه معیشت مردمان حجاز نگاه کنیم؛ مشخص است که آذوقه و امرار معاش آنان در قرون وسطی توسط تجار یمن و از قرن هفدهم به بعد توسط تجار جنوب هندوستان و بعدها از طریق مصر با دولت ممالیک تهیه می‌شد و در دوره عثمانی از شام، آناتولی و مصر تأمین می‌گردید. حیواناتی که در حجاز مصرف می‌شد تماماً از مصر به حجاز می‌آمد. از این رو مصر در تأمین ارزاق حجاز جایگاه ویژه‌ای در آن دوران داشت، چون آسان‌ترین راه رساندن حیوانات به این منطقه، کشتی بود در نتیجه، حیوانات شام و آناتولی به خاطر سختی حمل و نقل از راه خشکی، در درجه دوم اهمیت قرار می‌گرفت. با این وجود تجار شام هم از سود آن بی‌نصیب نبودند با این که حجاج راه شام، وسایل و آذوقه لازم خود را از بازار مضیرب^۲ می‌خریدند. این بازار مخصوصاً در دوره قاجار رونق گرفت. بعد از آمدن صره عثمانی که از طریق دریا فرستاده می‌شد، بازار مضیرب بسیار رونق گرفته و با تأسیس راه آهن حجاز، اهمیت خود را همچنان حفظ کرد.^۳

ج. جایگاه پول در اقتصاد ترکیبی حج

تنظیم جریان ورود و خروج پول در اقتصاد بسیار حائز اهمیت است. این موضوع در اقتصاد حج نیز در بازار مشترک اسلامی چالش‌هایی را برانگیخت که به بررسی آن می‌پردازیم. وسیله اصلی مبادله کالا در این اقتصاد ترکیبی، گذشته از مبادله پایاپای، «پول» بود. اگر

1 İnalçık, Ibid, p.65.

۲ منزل حجاج بوده که در نزدیکی مدینه منوره قرار داشت.

3 İnalçık, Ibid, p.67 ; BOA Başbakanlık Osmanlı Arşivleri, İst 32BOA, MD34(13M.986)h,45, p. 22.33

بخواهیم دوره قاجار را بررسی کنیم باید ابتدا وضعیت پول در دولت عثمانی را مورد توجه قرار دهیم. در دوره قاجاریه یک لیره عثمانی معادل چهار تومان و نه عباسی بود.^۱ در این زمان جنس سکه‌ها اغلب از نقره بود.^۲ فرآیند مبادله اجناس با نقره از عثمانی تا ایران و از ایران تا هند در عصر قاجار رایج بود.^۳ دولت عثمانی سکه‌های نقره را در «ضراب خانه‌های آناتولی» ضرب می‌کرد. این نقره‌ها از معادن «ارزنة الروم» بدست می‌آمد و پس از ضرب به ایران نیز وارد می‌شد، اما خروج نقره مورد اعتراض دولت عثمانی قرار می‌گرفت و لذا این دولت مانع خروج پول از قلمرو خود می‌گردید.^۴

شایان ذکر است در دوره صفوی نیز خروج سکه نقره که در ضراب خانه‌های آناتولی ضرب می‌شد^۵ مشکلاتی را برای دولت عثمانی فراهم می‌کرد، که جدال و مشکل تبدیل پول و سکه در سفرنامه‌های آن دوره به خوبی منعکس است.^۶ لذا دولت عثمانی در این دو دوره به شدت از خارج کردن نقره خود از سوی حجاج و زوار به ایران جلوگیری می‌کرد. برای نمونه در سند ذیل این اوضاع از دیدگاه دولت عثمانی روشن می‌شود:

«... آقچه رسم ایران که به قران تعبیر می‌شود، ۷، ۸ هزار فروش است و از در سعادت استانبول توسط ۱۰ نفر از حجاج ایرانی که در حال عزیمت به جانب حجاز هستند وارد شده است و مسکوکات اجنبی محسوب می‌شود و ورود آنها ممنوع می‌باشد. لذا توقیف آنها لازم است و مسکوکات آن به یک تاجر ایرانی اعاده شده تا بعد از تبدیل آن، به اصحاب‌شان بازگردانده شود. بر مبنای این بیان آن که در سعادت کسی را نمی‌شناسد؛ تبدیل این پول برای آنها مشکل است و نیز به قول آنها آقچه مذکور در طرف حجاز و بغداد نیز رایج است. سپس این ۱۰ نفر توصیف کردند که آنها به خاطر این مشکل از ایفای فریضه حج منع شدند. هنگام حرکت این افراد اشخاص معینی، این آقچه را در واپور به آنها بازگرداندند تا این

۱ علی اصغر هدایتی (۱۳۴۶)، اقتصاد جمعیت، تحقیق در افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۴۷.

۲ 31BA, MD,26(19Ca.982) h. 549, 519.

۳ 32BOA, MD34(13M.986)h,45,s.22.33BA,MD53(6Ra.933) h.766, p.263.

۴ Şevket Pamuk(1999), *Osmanlı İmparatorluğu'nda Paranın Tarihi*, Istanbul: Tarih Vakfı Yurt Yayinlari, p.494.

۵ Halil Sahillioğlu, *Ibid*, p.34.

۶ BOA.DH.MKT 365832(1544/59).

حادثه برای همه مثال شود ۱۸/۴/۱۳۰۵ ق.»^۱

مسئله کمبود و قحطی نقره برای ایران و عثمانی مشکلات را مضاعف می‌ساخت.^۲ در این دوره نقره عثمانی به ایران و نقره ایران به هندوستان سرازیر می‌شد که این مسئله در سال ۹۸۶ ق به اوج خود رسید.^۳ و مشکلاتی را پدید آورد. به رغم ممانعت از خروج سکه‌های نقره عثمانی، که آن دولت استفاده آن را تنها منحصر به بغداد و بصره کرده بود، تجار آن‌ها را به ایران می‌بردند.^۴

بر اساس سندی دیگر پول قران ایران فقط در شهرهای اصلی ولایت بغداد و بصره رایج می‌شد و می‌باید از آنچه در دست اهالی باقی می‌ماند، مقداری به صراف‌ها فروخته تا با آن انگو و انگشتر بسازند، در این سند آمده است:

«این اطلاعات از ولایت حجاز دریافت شده است و بر مبنای قرار سابق در تسلیم قران‌های مذکور به حجاج مرقومه مشکلی دیده نشده است سال ۱۳۰۶ ق.»^۵

پس از تصرف مصر، دولت عثمانی به طلای آفریقا دست یافت و از آن پس برای دولت خود و حجاز از آن بهره می‌برد.^۶ دلیل استفاده اعراب از طلا و اهمیت آن در اقتصاد حج، این بود که اعراب با هندوستان تجارت می‌کردند و هندی‌ها نیز در معادلات اقتصادی خود، خواهان طلا بودند لذا وقتی که عثمانی‌ها به طلا دست یافتند، بر ارکان مهم اقتصادی حج مسلط شدند.^۷ شایان گفتن است به طور قطع، واحد پول عثمانی سکه طلا بود اما طلاهایی را که دولت عثمانی از خزانه مصر می‌فرستاد گاهی کفایت نمی‌کرد و حجاز دچار مشکل می‌شد؛ لذا در سرزمین عثمانی، در مناطق مختلف از سکه‌های گوناگون استفاده می‌کردند.^۸ این سکه‌ها تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داشت، اما در اواخر دوره عثمانی و در دوره قاجار، ارزش این سکه‌ها به یکدیگر نزدیک شد. صره عثمانی از جنس طلا بود و به همین علت برای

1 BOA, DH.MKT1516/1170034 CD2.

2 31 BOA, MD.26(19 Ca.982),h.549, p.19.

3 MD. 34 .13 M. 986.

۴ میثم موسایی، همان، ص ۱۶؛ 502؛ PAMUK, Şevket, p. 502.

5 BOA, DH.MKT 1544/59 cd 4365832.

6 Koç, Koç, Ümit, 17. yy dan günümüze değişen gümüş arzu ve yansımaları üzerine değerlendirme, Fırat Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Dergisi, s 56, p. 123.

7 Faruki, Ibid, p.4

8 BOA, DH.MKT:1519/2cd 4.

هر کس که ارسال می‌شد اهمیت زیادی داشت. سفرنامه‌نویسی به نام هدایتی تمام پول‌هایی را که در مکه و مدینه متداول بود برشمرده و با پول ایران مقایسه کرده است.^۱ کاهش ارزش پول ایران عموماً باعث عقیم شدن صادرات این کشور^۲ در بازارهای جهان می‌گردید. این عامل و نیز افت کل قیمت‌های مواد خام در ساختار بین‌المللی به سال ۱۲۲۵ - ۱۲۵۰ ق. اثر منفی خود را بر اقتصاد ایران بر جا نهاد^۳ شاید به این سبب بود که حجاج سعی می‌کردند پول‌های طلا یا نقره عثمانی را به ایران بیاورند، چون قدرت خرید زیادی در ایران داشت.

مسئله از دیدگاه اقتصادی، حجم مبادلات تجاری که در بین دولت‌های اسلامی و در یک دوره زمانی خاص با میزان بالایی از مبادلات روبرو می‌شد، تنها با سکه‌های طلا قابل انجام نبود و دولت عثمانی نیز این حجم از سکه طلا را در یک زمان نمی‌توانست فراهم کند. از سوی دیگر سیستم بانکی جهت کنترل «حجم پول» نیز وجود نداشت و همین باعث می‌گردید که تسلط عثمانی‌ها بر کلیه مبادلات پولی از بین برود. پول‌های دیگر در کنار ارز رایج عثمانی نیز، وظیفه تسهیل مبادلات را داشتند بنابراین عثمانی‌ها هم که نمی‌توانستند، طلای ضرب شده را دوباره به طور کامل جمع‌آوری کنند؛ در اقتصاد خرد، دولت دچار کمبود نقدینگی شد و از این رو به ناچار اجازه داد که برخی از واحدهای پولی دیگر نیز در اقتصاد حج رایج گردد.^۴

مسئله دیگر این بود که وقتی مراسم حج پایان می‌یافت، پول‌های خارجی در مکه و مدینه خریداری نداشت و تجار هندی نیز آن را نمی‌پذیرفتند، بنابراین پول‌ها را ذوب کرده و با طلا یا نقره آن زینت آلات درست می‌کردند. بدین ترتیب سکه‌ها از مسیر گردش پولی خارج می‌شد و به محل ضرب یا صدور نیز باز نمی‌گشت و این برای کشورهای شرکت کننده در این مراسم، مشکلات کمبود نقدینگی ایجاد می‌کرد. به زبان اقتصادی، «سرمایه در گردش» به «سرمایه را کد» تبدیل می‌شد و باعث رکود اقتصادی می‌گردید. جهت حل این مشکل، سیاست «اقتصاد ترکیبی» از سوی دولت عثمانی اتخاذ شد که مبتنی بر مبادله پایاپای کالا با کالا بود. بنابراین، هر کالایی هم پول بود و هم کالا به همین سبب در کاروان‌های حج، شاهد حضور

۱ میرزا محمد ظاهر الملک (۱۲۷۶)، سفرنامه مکه ۱۳۰۶، به کوشش رسول جعفریان، میراث اسلام، دفتر پنجم، قم:

کتابخانه آیت الله مرعشی، ص ۲۴۷.

۲ میثم موسایی، همان، ص ۲۶.

۳ جان فوران، همان، ص ۱۲۳.

انواع کالاها و اجناس هستیم بدین صورت کاروان هر کشوری، اقتصاد آن کشور را نیز با خود حمل می‌کرد و در سطح بین‌الملل اسلامی، کاروان‌های تجاری با یکدیگر مبادلات گسترده‌تری داشتند.

د. درآمدهای رسمی و نیمه رسمی عثمانی‌ها و بدویان از حج

۱. درآمدهای رسمی دولتی

دولت عثمانی درآمدهایی متفرقه و رسمی از حجاج به دست می‌آورد. برخی مربوط به حمل و نقل و برخی مربوط به صدور جواز عبور بود و مقداری نیز تصاحب اموال متوفیان بلا وارث. اما بخش عمده‌ای از این درآمدها به جیب کنسول حرمین می‌رفت که دولت عثمانی برای امور حجاج در حرمین تعیین کرده بود.^۱ او از راه‌های زیادی به کسب درآمد از امر حج می‌پرداخت. عبدالله‌خان قراگزلو در سفرنامه خود اشاره کرده است که: «از ینبوع به مدینه هر شترمتعلق به حاجی روسی ۳۷ لیره، و حاجی ایرانی و عرب ۵ لیره پرداخت می‌کرد، چون کنسول ینبوع طمع دارد، یک لیره به صاحب شتر و شش لیره به کنسول و شریف می‌رسید».^۲ و نیز مخبر السلطنه در سال ۱۳۲۱ق ذکر کرده که دو ایرانی نزد قونسول آمدند و گفتند که «از جده به مکه، از ملل دیگر ۱۲مجیدی^۳ برای هر شتری داده‌اند ولی از ما ۱۵مجیدی می‌خواهند». بعد از این شکایت آنان ناچار شدند ۱۷مجیدی بدهند. مبلغ یاد شده بین «صاحب شتر و شریف و قونسول اشرف بخش می‌شود».^۴ سیاح دیگری در ذکر حوادث سال ۱۳۱۵ق نوشته است که «هرچه خواستند، یعنی قنسول و عمال او، ظلم به حجاج کردند».^۵ بهای آب برای عرب و غیره، سه مشک یک قروش، اما برای حجاج ایرانی هر مشک دو قروش گرفته می‌شد. بنا به نقل عبدالله‌خان، این سقاها چهارصد لیره به کنسول داده‌اند».^۶

۱ میرزا علی‌خان امین‌الدوله صدراعظم (۱۳۷۶)، سفرنامه امین‌الدوله، به کوشش دکتر علی امینی، تهران: انتشارات طوس، ص ۲۷۹.

۲ عبد الله خان قراگزلو (۱۳۸۲ش)، مجموعه آثار قراگزلو، سفرنامه مکه، به کوشش عنایت الله مجیدی، تهران: انتشارات میراث مکتوب، ص ۲۱۴.

۳ واحد پول عثمانی.

۴ میرزا محمد ظاهر الملک، همان، ص ۲۵۸.

۵ میرزا علی‌خان امین‌الدوله، همان، ص ۳۰۰.

۶ همان، ص ۳۳۳.

یکی دیگر از منابع در آمد رسمی دولت، ضبط و مصادره اموال متروکه و بلاوارث حجاج بود. اموال حاجیان متوفی بر مبنای معاهده نامه باید ضبط می شد؛ چنانچه اموال حاجی متوفی وارثی نداشت به خزانه دولت عثمانی می رفت. هم در کاروان مصر و هم در کاروان سوریه ملک متوفی به خزانه فرستاده می شد. اگر او یک همشهری یا هم روستایی داشت به آن شخص داده می شد؛ ولی اگر کسی نبود به خزانه دولت می رفت. ولی گاهی در این گونه موارد تخلفاتی صورت می گرفت^۱ و بعضاً نیز این اموال به زور تصاحب می شد، در حقیقت «ترکه» مرده را کنسول به زور تصاحب می کرد^۲. «کنسول در مقابل شکایات حجاج، این گونه از کار خود دفاع می کرد که: «موجب از دولت ندارم، مخارج خود را از عجم بدست می آورم»^۳. هنگامی که شکایات حجاج زیاد می شد دولت عثمانی خود به آن شکایات رسیدگی و در برخی موارد با دادن اموالی از طرف خود به این مشکلات فیصله می داد. اسناد عثمانی مملو است از شکایات و درخواست حجاج ایرانی از سرقت اموال، تخفیف و تسهیل در امور مادی، رسیدگی به موضوع اسکان، معاش و نقل و انتقال آن ها. یکی از این اسناد به قرار ذیل است: «...قبلاً جهت کیفیت مذکور توسط متصرف علی پاشا در مجلس شام شریف با حضور امیرالحجاج و در مواجهه با مؤدیان در حالی که وکیل جناب قونسولوس دولت روسیه نیز حاضر بودند، دادگاه علنی تشکیل دهند»^۴.

غیر از دولت عثمانی و نماینده های او عده ای بودند که گاهی نفوذ آن ها از شریف و حتی نماینده های دولت عثمانی بالاتر بود که به آن ها شیخ الحرم می گفتند. آنان و نیز والی جده و قاضی مکه به این شکایات رسیدگی می کردند^۵.

۲. در آمدهای نیمه رسمی

۱.۲. اخوه گیری یا حق العبور

نوعی از مالیات غیر رسمی نیز وجود داشت که آن را «اخوه» می گفتند و این همان «حق

۱ اسناد وزارت خارجه. 4-19-7-1269-GHI.

۲ میرزا علی خان امین الدوله، همان، ص ۳۳۳.

۳ همان جا.

4 BOA, HR. MK 18/19 5523.

۵ اسرا دوغان، رسول جعفریان (۱۳۸۹)، حجاج و سلاطین، مجله میقات حج، ش ۴۸، ص ۳۶.

العبور» بود. اخوه، تنها اصطلاحی مرتبط با حج نبود بلکه در اثنای کوچ بدوی‌ها و ورود به قلمرو شهرها، حضری‌ها مالیاتی به عنوان اخوه یا برادری از ایشان (بدوی‌ها) دریافت می‌کردند. این امر بعدها تنها در خصوص حجاج به کار رفت که «خوه، خاوه، اخوه»، هم گفته می‌شد.^۱ دولت قاجار در این امر نیز مداخله و شکایت حجاج تبعه خود را به مسئولان دولت عثمانی منتقل می‌کرد.^۲ این امر، یکی از مهم‌ترین مسئله و معضل در راه‌های حجاج بود. دولت عثمانی این مشکل را در راه‌های رسمی خود به این صورت حل کرد که از خزانه خود به بدویان راه حج شام- مکه و مکه - مدینه خراج یا رسومات همیشگی به نام اخوه می‌پرداخت. با اینکه درباره هدف از دادن این رسومات اطلاعاتی در دست نیست، اما به گونه‌ای با تأمین امنیت مرتبط بود. حجاج با رسم اخوه از غارات بدویان در امان می‌ماندند، اگر چه همیشه این گونه نبود و آنان با وجود این رسم به وعده خود وفا نمی‌کردند. رفتار این بدویان نیز با توجه به معیشت آن روز عادی به نظر می‌آمد، چون آن‌ها در مسیر زندگی خود به هیچ قانون و شریعتی پایبند نبودند؛ بنابراین حجاج مسلمان نیز وقتی اخوه می‌دادند، این مسئله را پذیرفته بوده و آن را عادی می‌دانستند. این موضوع در تذکره جودت پاشا در قسمت رسوم اخوه به خوبی توضیح داده شده است.^۳ اگر چه اخوه حق العبور بود ولی در عین حال اجازهای برای استفاده از منابع آب مناطق نیز بود؛ لذا حجاج باید در ازای آن اخوه می‌دادند. در منابع به میزان این باج اشاره شده است.^۴

به نظر می‌آید حجاج ایرانی نسبت به این حق العبور در کشورهای هم‌جوار نیز عادت داشتند؛^۵ از جمله در عراق که از پرداخت اخوه بین راه نجف و مدینه شاکمی نبودند و این برای آنان یک امر طبیعی بود و البته حساب و کتاب داشت.^۶ اما آنچه بیشتر مورد نارضایتی و شکایت حجاج بود زیادی باج اخوه و سخت‌گیری برای دریافت آن بود؛ زیرا چند بار از

1 Zekeriyya Kurşun(2002), *Need ve Ahsa'da Osmanlı Hakimiyeti*, TTK, Ankara: Turk tarih kurumu, p.12.

۲ اسناد وزارت خارجه ق ۱۳۱۴/۱۰۰/۸۳/ج/د.

3 Kurşun, Ibid, p. 211.

۴ سیدعلی قاضی‌عسکر، مشکلات حاجیان از زبان سفرنامه‌نویسان، مجله میقات حج، ش ۴۱، ص ۴۷.

۵ تاریخ ایران کمبریج، از نادر شاه تا دوران معاصر (۱۳۸۸)، گردآورنده پیتراوری، گاوین هامبلی، چارلز ملویل، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب، آفام، ص ۳۰۸.

۶ روزنامه سفر خیرات اثر، سفرنامه مکه (دوسفرنامه ۱۲۶۰ و ۱۲۹۹ ق) (۱۳۸۴)، تصحیح رسول جعفریان، تهران: انتشارات دلیل ما، ص ۱۵.

نفرات گرفته می‌شد «از مطالبهٔ اخوه همگی به مرگ راضی بودند. تیمم کرده همه منتظر شهادت می‌شدند».^۱ این حق‌العبور به شکل خشن و گاهی فقط تنها از حجاج ایرانی به خاطر شیعه بودنشان گرفته می‌شد و شکل دریافت آن نیز نامحترمانه بود. حجاج به خاطر این ظلم از راه جبل نمی‌رفتند^۲ و راهشان را عوض می‌کردند. مثلاً دختر فرهاد میرزا، به رغم نزدیک بودن راه جبل، مسیر دریا را ترجیح داد.^۳ البته بیشتر حجاج ترجیحاً از راه دریا می‌رفتند زیرا در راه دریا اخوه وجود نداشت.^۴ اما در آمد رسمی که از حجاج ایرانی به دست می‌آمد و از طریق والی به دولت می‌رسید، در برابر آن بسیار ناچیز بود و تماماً صرف حفاظت از راه‌ها و حجاج و منطقهٔ حرمین می‌شد. حجاج و تجار ایرانی بعد از پرداخت مالیات و اخذ یک برگه از مسئولان شهر یا کاروانسراها حق خروج داشتند. این قبیل کاغذها امریه (اجازه عبور) نامیده می‌شد که بعدها به آن ویزا گفتند. به ازای صدور این کاغذ، احتمال داشت که ادویه و پارچه (مالیات لازمه اجباری)، توتون و تنباکو در چهار راهایی که کاروان‌های حج به هم می‌رسیدند یا در روستاهایی که در مسیر راه‌های حج شام تا مکه بود هم پذیرفته شود.^۵

در خصوص این گونه مالیات‌ها و تعدی‌هایی که از سوی گیرندگان آن‌ها نسبت به حجاج می‌شد شکایت‌های فراوانی به دولت عثمانی واصل می‌گردید. تا زمانی که کاربرد ایرانی هنوز تأسیس نشده بود، دولت عثمانی توسط مأموران خود به شکایات مالی حجاج رسیدگی و آن‌ها را حل می‌کرد. اما زمانی که کاربرد ایرانی معین شد، این اداره، خود برای حل و فصل مشکل و رسیدگی به شکایت اقدام می‌کرد. غارت و چپاول حجاج ایرانی آن قدر فراوان بود که در اسناد عثمانی به طور مفصل گزارش و انعکاس می‌یافت و حتی گاهی مقامات بالای سیاسی، پیگیر آن می‌شدند و چنین حوادثی پوشیده نمی‌ماند. وجود سیاست درهای باز در دولت عثمانی و اعتراف به کوتاهی خود در اسناد آن‌ها به طور واضح دیده می‌شود. شاید مواردی که در این اسناد گزارش شده، یک صدم میزان واقعی بوده ولی همین مقدار نیز بیانگر

۱ همان، ص ۲۰۴.

۲ همان، صص ۷۳ - ۷۷.

۳ رسول جعفریان (۱۳۷۳)، مجموعه سفرنامه‌ها «به سوی ام‌القری»، سفرنامهٔ دختر فرهاد میرزا، نشر مشعر، ص ۸۲.

۴ روزنامه سفر خیرات اثر، ص ۷۰.

وقایع رخ داده است و اهمیت ویژه‌ای دارد.^۱

۲.۲. درآمدهای بومیان

اما علاوه بر نقش دولت، باید به سهم و نقش بومیان نیز در این خصوص توجه داشت. نخستین مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که بومیان ساکن در راه‌های حج چه منافعی از این راه‌ها به دست می‌آوردند و حج در بین آنان چه تأثیرات اقتصادی داشت؟ هر چند معاملات اقتصادی در این راه‌ها (راه جبل، بین مکه و مدینه) در موسم حج انجام می‌شد، اما در قرون اخیر این فعالیت کم رنگ‌تر و بیشتر فعالیت اقتصادی بدویان و ساکنان آن منطقه به طور مستقیم و در کل به درآمد حاصله از حجاج مربوط می‌شد.^۲

برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا به ساختار زندگی صحرائینان و بدویان نظر بیاندازیم و از سوی دیگر نقش اقتصاد راه حج را برای حیات اقتصادی بومیان مورد مطالعه قرار دهیم. زندگی بدویان مسلمان ساده و ابتدایی بود. این طریق امرار معاش که مبتنی بر وابستگی به طبیعت بود، باعث پیدایش «اقتصاد غارت» می‌گردید. از قدیم الایام بدویان به سبب عبور راه‌های تجارت از صحرا، در کار هجوم به کاروان و دستیابی به اموال آنان مهارت زیادی کسب کرده بودند و البته این امر در بین آنان عمومیت نداشت و برخی از بدویان، احتیاجات ضروری خود را از طریق مبادله اجناس از شهرها تأمین می‌کردند، لذا تجارت از لحاظ درآمد برای معیشت آنان بسیار مهم بود. آن‌ها این کالاها را با پول نقد معامله می‌کردند؛ هر چند که بدویان مانند حجاج و اهل حرمین وابسته به بازارهای مکه نبودند؛ ولی در حج‌گزاری به طور مستقیم در اقتصاد حجاج تأثیر می‌گذاشتند. شاید با زندگی ایل‌نشینی نمی‌توانستند به طور مستقیم در بازار مکه بمانند و شاید هم تنها با فروش کالاهای دستی، مواد اولیه، خدمات ره‌گذاری حمل و نقل مانند اجناس بازارهای مکه و مدینه سود چندانی عایدشان نمی‌شد، اما این مهارت موجب شد تا آنان بعدها در تجارت بین‌المللی هم برای تأمین شتر و کاروان‌های تجاری حجاج و هم تأمین امنیت راه کاروان‌ها در مقابل هجوم‌های مختلف شهره شوند.

وضعیت کاروان‌های بزرگ در حین اتراق برای مردم بومی، نمایی فوق‌العاده می‌یافت. عبور

1 BOA, MD.26 (19 Ca.982),h.549,p.19; BOA, DH.MKT, pp.153-155.

۲ برانیسلاو ما لینیوفسکی (۱۳۸۳)، نظریه علمی فرهنگ و چند مقاله دیگر، ترجمه منوچهر فرهموند، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها، صص ۱۵-۲۱.

کوتاه مدت حجاج غیر از امکانات مادی و منبع درآمد، از لحاظ ترویج فرهنگ‌های متنوع نیز بسیار حائز اهمیت بود. همچنین بدویان به طور غیرمستقیم در تجارت در موسم حج سهیم بودند مثلاً تهیه شتر و نیز گوسفند برای قربانی به طور کامل از طریق این قشر صورت می‌گرفت و دولت عثمانی نیز برای تأمین امنیت کاروان‌های حج، شترهایی را برای سربازان و حجاج از بدویان اجاره می‌کرد که منبع درآمد سالانه بدویان را شکل می‌داد. در سال ۱۳۱۷ق مردم مکه، به خاطر تغییر مسیر راه مکه و مدینه که منجر به در تنگنا قرار گرفتن بدویان و کاهش در آمد آنان بود، خواستار عدم تغییر این مسیر شدند.^۱

حفاظت بدویان از چاه‌های آب در راه‌ها نیز منبع درآمد دیگری برای آنان بود. شایان ذکر است قبایل بدوی در چارچوب قدرت دولت، محدود می‌شدند، اما در محدوده خود از نوعی خودمختاری برخوردار بودند.^۲ مشکل مهمی که در این مورد وجود داشت و باعث انتقاد دولت ایران می‌گردید این بود که دولت عثمانی نمی‌توانست دستورات خود را به مردم بومی خود تحمیل کند و این مشکل هر سال تکرار می‌شد. گاهی تبعه عثمانی (ترک‌ها) نیز با همکاری مردم بومی، حجاج ایرانی را آزار می‌دادند که این مسئله نیز یکی از مسائل مورد اعتراض و شکایت دولت قاجار بود. به نظر می‌رسد عموماً عملکرد دولت عثمانی در این زمینه ناموفق بوده است. شایان گفتن است با تضعیف دولت عثمانی، حفاظت از حجاج ایرانی روبه کاهش رفت.

۳.۲. درآمدهای آغاوات و خواجگان و شرفا

مقصود از آغاوات، افرادی هستند که در عصر عثمانی داخل مسجد الحرام و نیز مسجد النبی^(ص) به امر کنترل و نظم رفت و آمد زنان حاجیه، مشغول خدمت بودند و از این رو آنان را معمولاً در کودکی از مردی ساقط می‌کردند. برای این سکونت و استقرار این عده در داخل مسجد النبی^(ص) سکویی خاص اختصاص یافته بود. این ایوان در آن هنگام به «دکة آغاوات» اشتها داشت که امروزه هم باقی است اما به اشتباه آن را ایوان صفة می‌پندارند.^۳ انتخاب آغاوات‌ها به عهده دولت عثمانی بود و یکی از وظایف رسمی آن‌ها این بوده که هر سال به نام

1 BOA, DH.MKT, pp.153-155.

۲ جان فوران، همان، ص ۲۱۰.

۳ اصغر قائدان (۱۳۸۵)، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران: نشر مشعر، ص ۱۹۶.

پادشاه و به جای او در مقابل ده سکه طلائی که می گرفتند حج نیابتی انجام دهند. البته گاهی به خواجگان مسؤولیت مادی نیز داده می شد. آغاوات، با حجاج به لجاجت برخاسته و آن‌ها را به خاطر ندادن انعام اذیت و آزار می دادند؛^۱ شکایات فراوانی از آغاوات‌ها در اسناد عثمانی وجود دارد.^۲

به عنوان نمونه شکایتی از طرف سید حسن عطار افندی، راهنمای حجاج ایرانی و از اهالی مدینه منوره به تاریخ ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ق به زبان عربی به امارت جلیلیه مکه مکرمه تقدیم شده است:

«...از طرف امرای سابقه و مشیخت حرم شریف نبوی، فرمایشی آشکار به ما دادند که در نزد بنده عاجز موجود است. قبل از این اغوات حرم شریف بپاخواستند و خواهان اعطای عایدات مخصوص دلالت مذکوره بنده شدند. در زمان شیخ الحرم سابق، خیرالله افندی اغوات مؤمی الیها، این ادعا را ترویج کردند و لازم شمردند و به ضرورت بر بنده عاجز، غلبه کردند و تا الان نزاع و فراغ منقطع نشده است. بنابراین تا حد درجه ممکن، به قصد دفع مضرات آنها هر سال مجبورم، یک مقدار از عایدات مذکوره را به آنها اعطا کنم... آنان در حق حجاج ایرانی که در خانه‌های من اقامت می کنند، اذیت و ستم روا می دارند. این کاملاً مخالف فرمان عالییه است ۲۲ کانون اول ۱۳۰۸».

در جای دیگری آمده است: «امروز در حرم، خواجه‌ها عجم را خیلی اذیت می کردند و بهانه می گرفتند و کتک می زدند و هر چه توی جیب داشتند خالی می کردند. ایلچی اینجا هم خیلی بی عرضه است. او هم خیلی به ایرانی تعدی می کند؛ مثلاً امشب جار زدند هر فردی که لباس نو داشته باشد، باید پنج تومان بدهد».^۳

آغاوات درآمدهای مختلفی داشتند که از طریق حکومت ممالیک و سپس عثمانی و طرق مختلف به آنان می رسید. با این حال مبلغی را نیز به بهانه‌های مختلف از حاضران دریافت

۱ رسول جعفریان (۱۳۸۲)، مجموعه سفرنامه‌ها «به سوی ام‌القری»، سفرنامه مکه محمد ولی میرزا قاجار ۱۲۶۰ هـ.ق، تهران: نشر مشعر، ص ۷۷۰.

2 BOA HR.TO398/60.

۳ حاجی عبدالحسین خان افشار ارموی (۱۳۸۶)، سفرنامه مکه معظمه ۱۳۰۰، به کوشش رسول جعفریان، تهران: انتشارات مورخ، ص ۱۶۲.

می‌کردند.^۱ این خواجهگان در مدینه مقامی بالاتر از شریف داشتند و شیخ الحرم مدینه از صنف علما یا از بین آغاوات انتخاب می‌شد. شیخ الحرم نه تنها در حرم بلکه در مدینه نیز دارای نفوذ بود و حرف او اطاعت می‌شد.

این خواجهگان یا آغاوات‌ها از آن رو که بسیار ثروتمند بودند گاهی مورد تعرض قبائل عرب قرار می‌گرفتند. بارها به قافله‌های آنان بین مکه و مدینه حمله و آن‌ها را چپاول می‌کردند. «در طول رودخانه، خواجه‌های مدینه را دیدم که از راه دیگر به مکه می‌رفتند، چون بعضی دیگر از خواجه‌ها آمدند، معلوم شد) دو نفر از خواجه‌ها را عرب‌های حربی لخت نمودند».^۲

گروه دیگری که درآمدهایی از حج بدست می‌آوردند شرفا بودند. آنان نه تنها از دید حجاج ایرانی به خاطر نسب‌هایشان بسیار قابل احترام بودند، بلکه دولت ایران نیز جانب‌گیری خود را به آنان نشان می‌داد^۳ و از طریق سفارت خود در عثمانی به آنان توجه می‌کرد. آنان با انگیزه‌های مذهبی می‌کوشیدند تا با ایرانیان روابط بهتری داشته باشند. ایرانیان به سبب محدود بودن اختیار شرفا چندان انتظار حمایت از مشکلاتشان را از جانب ایشان نداشتند. به قول فراهانی «از آنجا که شریف عون، عامل دولت عثمانی بود و از سوی دیگر می‌بایست پاسخگوی اکثریت سنی مذهب در این دو شهر باشد، نمی‌توانست در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری کند».^۴ شرفا در حرمین شریفین عموماً کمک‌های دینی و معنوی به ایرانیان می‌دادند اما از لحاظ مادی نه تنها حمایتی از آنان نمی‌کردند بلکه در بخشی از درآمدهای مالیاتی دولت عثمانی در مکه و مدینه نیز سهم می‌شدند. عمده درآمدهایی که از سفر حج بدست می‌آوردند مربوط به گمرکی بنادر بود. جده که مهم‌ترین بندر حجاج بود، نیمی از درآمد آن به شریف، نیم دیگر آن به سنجاق‌بیک تعلق داشت. برای کرایه وسایل حمل حجّاج در مملکت حجاز اعم از جده به سعدیه و مکه، یا از مکه به عرفات، یا از مکه به مدینه و ینبع، از جانب شریف مکه برای هریک از طوایف حجّاج مخارجی معین می‌شد.^۵

انتخاب شریف در دایره خاندان شرفا توسط عثمانی‌ها صورت می‌گرفت و او نقش واسطه

۱ اسرا دوغان و رسول جعفریان، همان، ش ۳۷، ص ۱۲.

۲ روزنامه سفر خیرات اثر، همان، صص ۴۵ - ۵۰.

۳ رسول جعفریان، حج‌گزاری ایرانیان در دوره قاجار، مجله میقات، ش ۳۷، ص ۹۱.

۴ میرزا محمد حسن فراهانی (۱۲۶۳)، سفرنامه مکه، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: انتشارات فردوسی، ص ۲۲۳.

۵ همان، ص ۲۳۴.

میان دولت عثمانی و بدوی‌ها ایفا می‌کرد. همچنین شریف مکه قدرتی برای اعمال مجازات خاطیان داشت.^۱

ه نقش امنیت در اقتصاد حج

۱. امنیت راه‌ها

از آنجا که اقتصاد بدون امنیت شکوفا نمی‌شود، لذا امنیت اقتصادی جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. بدیهی است حج ایرانیان برای عثمانی‌ها امری مهم بود به گونه‌ای که برای این دولت حج‌گزاری ایرانیان با حفاظت و تأمین امنیت، تسهیل و حفظ اسباب راحتی در اولویت قرار داشت؛ زیرا منافع اقتصادی آن با اهمیت تلقی می‌شد. بنابراین دولت عثمانی همیشه برای تأمین امنیت حجاج و جلوگیری از وارد شدن آسیب‌های جانی و مالی به حجاج، حرکت در راه رسمی را پیشنهاد می‌داد و از حرکت در راه‌های غیر رسمی منع و آنان را نسبت به غارت و کشتار توسط بدویان هشدار می‌داد. تمایل دولت عثمانی برای عبور حجاج از راه‌های رسمی (آناتولی، شام) به چند منظور تأکید می‌شد؛ از جمله رسیدگی و کنترل امور آنان، دریافت مالیات برای پیشرفت اقتصاد خود، شناسایی، سرشماری و کسب اطلاعات^۲ و مهم‌تر از همه امکان عبور حجاج از یک گمرک بود.

دولت صرفاً برای محافظت از راه‌ها در موسم حج در برابر هجوم قبایل، به ساخت قلعه‌هایی که استحکامات صحرایی به شمار می‌آمد و غیر از زمان حج متروکه می‌شد اقدام می‌کرد. با این تمهیدات، امنیت راه‌های حج تا حدی تأمین می‌شد.^۳

۲. امنیت کاروان‌ها

محافظت از کاروان تجار و حجاج توسط دولت عثمانی در سرزمین خود دلیل اقتصادی داشت. مسافت بین شام و مدینه ۶۸۴ میل یعنی تقریباً ۱۱۵۰ کیلومتر بود که با شتر تقریباً ۳۵۰ ساعت به طول می‌انجامید. هر سال در این گذرگاه بین ۵۰ و ۱۰۰ هزار حاجی عبور می‌کردند که

۱ اسناد وزارت خارجه ۳۲۳/۹/۶/۱۱.

۲ Halil İnalçık, C.1, p. 245.

۳ Faruki, ibid, p. 60.

شامل ۳۲ منزل بود. در بین این راه‌ها قبائل عرب فراوانی زندگی می‌کردند که معیشتشان از تهاجم و راهزنی کاروان‌ها تأمین می‌شد. دولت عثمانی هر سال برای تأمین امنیت کاروان‌ها برای بدویان، صدقهٔ سلطانیه به نام‌های اکرامیه، انعامیه ارسال می‌داشت^۱ تا نسبت به این کاروان‌ها دست‌اندازی نکرده و به غارت آن‌ها اقدام نکنند. این کار قبل از اینکه کاروان‌ها حرکت کنند انجام می‌شد. اگر در طول تاریخ به سیاست دولت عثمانی بنگریم برای کاروان رسمی خود (شام - مکه) جهت قبایل رشید، نعیم، سلمه، بنی‌سحر، عربان کرک، عنزه در ازای تأمین امنیت کاروان‌های حجاج پول می‌فرستاد. این پول و هدایا در اسناد عثمانی به طور دقیق و مفصل ذکر شده است.^۲

دولت عثمانی همچنین برای تأمین و اختصاص نیروی نظامی جهت حفاظت از کاروان‌ها هزینهٔ زیادی صرف می‌کرد. سربازان به هنگام هجوم بدویان به ارزاق و اموال کاروان از آن حفاظت می‌کردند ولی متأسفانه گاهی این سربازها، خود به این اموال چشم می‌دوختند. علاوه بر آن حمله‌دارها نیز به خطرات راه می‌افزودند.^۳ افزایش میزان امنیت باعث کاهش دامنهٔ «اقتصاد غارت» می‌شد و به اقتصاد تجاری و اقتصاد پاسبانی و محافظت رونق می‌بخشید و نهایتاً باعث تغییر شیوهٔ زندگی بدویان می‌گشت. با این حال بسیاری از قوانین و رسومات «اقتصاد غارت» در شیوهٔ جدید زندگی همچنان برقرار بود.

نتیجه‌گیری

در اقتصاد حج، سه گروه اصلی که تأثیرگذار بودند مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. ۱. حجاج و میهمانان ۲. دولت برگزارکننده ۳. بدویان و میزبانان. در این پژوهش، فرضیهٔ «اقتصاد ترکیبی» که به طور طبیعی در «اقتصاد حج» پدید آمده بود و مجموعه‌ای از طبقات و گروه‌های اجتماعی را از میان دول گوناگون اسلامی به هم مرتبط می‌کرد و باعث ایجاد یک «بازار مشترک اسلامی» می‌گردید را راهکاری برای اقتصاد حج مطرح ساختیم. این بازار مشترک، فواید فرهنگی - سیاسی گسترده‌ای برای جهان اسلام به همراه داشت که تا به امروز حج را به عنوان یک پدیدهٔ پیچیده در جهان اسلام نگاه داشته است که جای مطالعهٔ جامعه

1 Kurşun, ibid, p. 123.

2 BOA, DH.MKT1516/1170034 bc.3, p.31; BOA, MD.26 (19 Ca.982), h.549, p.19.

3 Faruki, ibid. p. 65.

شناختی مستقلی دارد. «اقتصاد حج» برای دولت عثمانی بسیار مهم بود هر چند که از نظر اقتصادی سود زیادی نصیبش نمی‌شد اما از این مراسم در جهت اهداف سیاسی و اجتماعی خود به خوبی بهره می‌گرفت. عثمانی‌ها خود را «خادم الحرمین» می‌شمردند و در راه این خدمتکاری به مسلمین خواهان سروری و خلافت جهان اسلام بودند و برای کسب این موقعیت از هر گونه هزینه‌ای دریغ نمی‌کردند. این نفوذ سیاسی، باعث گسترش قلمرو سکه‌های طلای عثمانی به جهان اسلام می‌شد و در دراز مدت، منافع اقتصادی فراوانی برای عثمانی‌ها به همراه می‌آورد. باید گفت در واقع نوعی سیاست بلند مدت سرمایه‌گذاری برای گسترش دامنه اقتدار و توسعه سیاسی امپراتوری به شمار می‌رفت. این سیاست زیرکانه، دور از چشم دولتمردان ایرانی نبود و حتی قاجارها می‌کوشیدند با عثمانی‌ها در تسلط بر اقتصاد و سیاست حج رقابت کنند. از این روی هر دو دولت در پی ایجاد امنیت اقتصادی راه‌های حج بر می‌آمدند. در اینجا بود که نقش بومیان در مسیر راه‌های حج برجسته می‌شد و مشکلات فراوانی می‌آفرید. «اقتصاد غارت» که سیستم کهن امرار معاش بیابان گردان است با پر رونق شدن مراسم حج و نیز ارسال صدقات و اموالی از سوی دولت عثمانی برای قبائل و بدویان که راهی برای ممانعت از حملات آنان به کاروان‌های حج بود روبه تغییر گذاشت و به سوی نوعی «ترانزیت و راهداری» متمایل گشت، اما عناصر اصلی «اقتصاد غارت» همچنان محفوظ مانده بود. با نگاهی گذرا به چگونگی تعامل سه نیروی اصلی مکانیسم مراسم حج یعنی ۱. حجاج ۲. دولت‌ها ۳. بدویان و بومیان، شاهد سه فاکتور مهم هستیم: ۱. ژئوپلیتیک - دولت‌ها ۲. ژئوکالچری - راه‌ها و حاجیان ۳. ژئواستراتژی - بدویان و بومیان. این عوامل به گونه‌ای بسیار پیچیده به همدیگر گره خورده و با یکدیگر مرتبط می‌شدند و حاکمیت اقتدار گرایانه عثمانی را بر حج رقم می‌زدند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیم بیگ، زین العابدین مراغه‌ای (۱۳۸۵ش)، سیاحت نامه ابراهیم بیگ، به کوشش محمدعلی سپانلو، تهران: آگاه.

- اسناد وزارت خارجه ایران ۱۹-۴-۷-۱۲۶۹-۱۲۶۹. GHI
- اعلائی، لطف‌الله علی‌خان (۱۳۸۲)، سفرنامه حج، ۱۳۳۵، حدیث قافله‌ها، به کوشش سید علی قاضی عسگر، تهران: نشر مشعر.
- افشار ارموی، حاجی عبدالحسین‌خان (۱۳۸۶)، سفرنامه مکه معظمه ۱۳۰۰ ق، به کوشش رسول جعفریان، تهران: مورخ.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان صدراعظم (۱۳۷۶)، سفرنامه امین‌الدوله، به کوشش دکتر علی امینی، تهران: نشر طوس.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۰)، «حج گزاری ایرانیان در دوره قاجار»، مجله میقات، ش ۳۷، ص ۹۱.
- ----- (۱۳۸۹) مجموعه سفرنامه‌ها، به سوی ام‌القری، سفرنامه مکه محمد ولی میرزا قاجار ۱۲۶۰ هـ ق، تهران: نشر مشعر.
- ----- (۱۳۸۵)، «سفرنامه منظوم مکه ۱۳۰۰ ق» مجله میقات حج، ش ۵۸.
- دوغان، اسرا، جعفریان، رسول (۱۳۸۹) «حجاج و سلاطین»، مجله میقات حج، ش ۴۸.
- دوغان، اسرا (۱۳۸۹)، تاریخ حج گزاران ایرانیان، تهران: نشر مشعر.
- رئیس‌نیا، رحیم [بی‌تا]، آذربایجان در سیر تاریخ، تبریز: نیما.
- رضایی، محمد حسین (۱۳۷۲)، «نارساییها و مشکلات حج»، مجله میقات حج، س ۲، ش ۸.
- روزنامه سفر خیرات اثر، سفرنامه مکه (دو سفرنامه ۱۲۶۰ و ۱۲۹۹ ق)، تصحیح رسول جعفریان، تهران: دلیل ما.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۱)، «استطاعت چیست و مستطیع کیست؟»، مجله میقات حج، س اول، ش ۱.
- طباطبایی تبریزی، محمدرضا (۱۳۸۶)، سفرنامه مکه، به کوشش رسول جعفریان، تهران: نشر مورخ.
- ظهراالملک، میرزا محمد (۱۳۷۶)، سفرنامه مکه ۱۳۰۶ ق، به کوشش رسول جعفریان، میراث اسلامی دفتر پنجم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- فراهانی، میرزا محمدحسن (۱۳۶۳)، سفرنامه مکه، به کوشش مسعود گلزاری، تهران: فردوسی.
- فوران، جان (۱۳۸۶)، مقاومت شکننده، تاریخ تحول اجتماعی ایران، تهران: رسا.
- قاضی عسکر، سیدعلی (۱۳۸۱)، مشکلات حاجیان از زبان سفرنامه‌نویسان، مجله میقات حج، ش ۴۱.
- قائدان، اصغر (۱۳۸۵)، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران: نشر مشعر.
- قراگوزلو، عبد‌الله خان (۱۳۸۲)، مجموعه آثار قراگوزلو، سفرنامه مکه، به کوشش عنایت‌الله مجیدی، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- کمبریج، تاریخ ایران، از نادر شاه تا دوران معاصر، گرد آورنده پیترو آوری، گاوین هامبلی، چارلز ملویل، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب، آبفام.
- مالدینوفسکی، برانسیلاو (۱۳۸۳)، نظریه علمی فرهنگ و چند مقاله دیگر، ترجمه منوچهر فرهمند، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب

- علوم انسانی دانشگاهها، سمت.
- موسایی، میثم (۱۳۹۰)، تجارت خارجی ایران در عصر قاجار، تهران: جامعه شناسان.
 - معتمدالدوله، میرزا (۱۳۶۶)، سفرنامه فرهاد میرزا، هدایت السبیل و کفایت الدلیل، به کوشش اسماعیل نواب صفا، تهران: انتشارات زوار.
 - نایب الصدر شیرازی، معصوم علی شاه (۱۳۸۳)، سفرنامه مکه، به کوشش هارون و هومن، تهران: پانیز.
 - هدایتی، علی اصغر (۱۳۴۶ ش)، اقتصاد جمعیت، تحقیق در افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب. منابع ترکی استانبولی

- (آرشیو سراسری عثمانی) BOA Başbakanlık, Osmanlı Arşivleri, İstanbul: DM, Mühimme Defterleri
- Faruki, Sureyya (1995), *Hacilar ve Sultanlar*, İstanbul, Tarih vakfi yayınları.
- Halil, Sahillioğlu (1993), "Darphâne", *DİA*, C.8, İstanbul: Büyükşehir Belediyesi Kültür A.Ş. Yayınlar.
- Inalcık, Halil (2000), *Osmanlı Ekonomisi ve Sosyal Tarihi, C.1*, İstanbul: Eren Yayınları.
- *İslam Ansklopedisi (ISAM)* (1994), 16.cild Hacegan maddesi, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakf - İslâm Ansiklopedisi Genel Müdürlüğü.
- Koç, Ümit, *17.yy dan günümüze değişen gümüş arzu ve yansımaları üzerine değerlendirme*, Fırat Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Dergisi, s 56 s. 123.
- Kurşun, Zekeriyya (2002), *Necd ve Ahsa'da Osmanlı Hakimiyeti*, TTK, Ankara: Turk Tarih Kurumu.
- Pamuk, Şevket (1999), *Osmanlı İmparatorluğu'nda Paranın Tarihi*, İstanbul: Tarih Vakfi Yurt Yayınları.